

## عنوان مقاله:

تمدن اسلامی و نقش فلسفه در آن

## محل انتشار:

اولین کنفرانس بین المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی و اجتماعی (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 7

## نویسندگان:

سید احمد هاشمی - دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

شهناز دهقان باغ بردانی - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد

## خلاصه مقاله:

در جامعه اسلامی، علوم گوناگونی شکل گرفت و به شکوفایی رسید. برخی از این علوم از درون منابع اصیل اسلامی پا به عرصه وجود نهاد و برخی دیگر هر چند ابتدا از مرزهای خارج از اسلام به جمع مسلمانان راه یافت، ولی دست خوش تغییراتی شد و خود را با فرهنگ مسلمانان هماهنگ ساخت و به عبارت دیگر، بومی شد. از جمله این دانش ها، می توان به فلسفه اشاره نمود که از یونان وارد سرزمین های اسلامی شده، ولی مسلمانان، بسیاری از مطالب آن را با توجه به دورن مایه های اسلامی تغییر دادند و یا مسایل بسیاری را بر آن افزودند. فلسفه با یک شیب یکسان در جامعه اسلامی رشد نکرد، بلکه گاه با مخالفت های فراوان رو به افول می گذشت و گاه نیز با حمایت دولت ها به اوج می رسید. طبیعتاً وقتی فلسفه مورد حمایت دولت ها قرار گیرد تأثیرات زیادی نیز بر جامعه و خط مشی آن خواهد گذاشت. گاه نیز این خط مشی از تأثیرات جزئی و کوتاه مدت فراتر رفته موجب تغییر و تحول در فرهنگ یک جامعه و یا حتی تمدن برآمده از فرهنگ خواهد شد... نقش های فلسفه در تمدن اسلامی را می توان نیازمندی تمدن به فلسفه در تمییز حقیقت از غیر حقیقت، تأثیر فلسفه در دین، تأثیر فلسفه در اخلاق، تأثیر فلسفه در سیاست و تبیین مدینه ی فاضله و تأثیر فلسفه در کلام دانست. در این نوشتار، پس از معنانشناسی فرهنگ، تمدن، دین، اخلاق و سیاست، به سیر اجمالی فلسفه در عالم اسلام اشاره شده، و در ادامه به تبیین نقش فلسفه در تمدن اسلامی پرداخته شده است.

## کلمات کلیدی:

فرهنگ، تمدن، فلسفه، کلام، اخلاق، دین، سیاست

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/698117>

